

Does Social Capital Effect on Economic Corruption?

Daliri, H.¹

Type of Article: **Research**

 10.22126/PSE.2022.8266.1010

Received: 2022.09.12; Accepted: 2023.12.19

Pp: 199-216

Abstract

Social capital is very closely related to collective behaviors and behaviors based on interpersonal relationships. Social capital can be an effective factor in corruption. Theoretical foundations show that social capital in different societies can have different effects on corruption. In this study, in order to test this hypothesis, data from countries (136 countries) in different income categories and in the period 2012-2020 were used. In addition, the panel data estimation method was used. The results of the study show that social capital can have a reducing effect on corruption in the studied countries. In addition, the impact of social capital on corruption will vary in different income categories around the world. In low-income countries, social capital has less effect and in high-income countries, social capital has a stronger effect on reducing corruption. This result can be attributed to the different structure of social capital at different income levels of countries and also the existence of different institutional arrangements in countries. The more appropriate contexts exist in societies, the more social capital created, the more favorable the effects on governance and the reduction of corruption.

Keywords: Social Capital, Corruption, Panel Data, Income Groups.

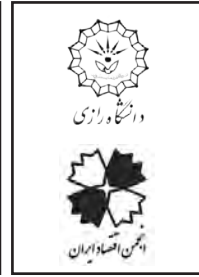
JEL Classification: C33, H27, O11.

1. Assistant Professor, Department of Management and Economics, Faculty of Humanities and Social Sciences, Golestan University, Gorgan, Iran.

Email: h.daliri@gu.ac.ir

Citations: Daliri, H. (2022). "Does Social Capital Effect on Economic Corruption?" *Public Sector Economics Studies*, 1 (2), 199-216.

Homepage of this Article: https://pse.razi.ac.ir/article_2424.html?lang=en



آیا سرمایه اجتماعی بر فساد اقتصادی مؤثر است؟

حسن دلیری^۱

نوع مقاله: پژوهشی

10.22126/PSE.2022.8266.1010

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۸

صص: ۱۹۹-۲۱۶

چکیده

کنش‌های اجتماعی از دیرباز نقشی مؤثر در شکل‌گیری رفتارهای اقتصادی داشته‌اند. سرمایه اجتماعی نیز به عنوان متغیری که ارتباط بسیار نزدیکی با رفتارهای جمعی و کنش‌های مبتنی بر ارتباطات بین فردی در جامعه دارد، می‌تواند عاملی مؤثر در فساد به عنوان رفتاری اقتصادی در جامعه باشد. مبانی نظری نشان از آن دارد که سرمایه اجتماعی در جوامع مختلف می‌تواند آثار متفاوتی بر فساد داشته باشد. به عبارت دیگر، با توجه به ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع، سرمایه اجتماعی می‌تواند اثرات متفاوتی چه از نظر اندازه و چه از نظر جهت بر فساد داشته باشد. در این مطالعه، به منظور آزمون این فرضیه که آیا سرمایه اجتماعی در کشورهای مختلف اثر متفاوتی بر فساد دارد، از داده‌های دوره ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰ مربوط به ۱۳۶ کشور دنیا در دسته‌های متفاوت درآمدی استفاده شده است. این فرضیه با روش داده‌های تابلویی مورد آزمون قرار گرفت. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که شاخص سرمایه اجتماعی می‌تواند اثر کاهنده‌ای بر فساد در کشورهای مورد بررسی داشته باشد. علاوه بر این، اندازه تأثیر سرمایه اجتماعی بر فساد در دسته‌های متفاوت درآمدی در کشورهای دنیا متفاوت بود؛ به گونه‌ای که سرمایه اجتماعی در کشورهای کم‌درآمد اثر کمتر و در کشورهای پردرآمد اثر قوی‌تری بر کاهش فساد داشته است. این نتیجه می‌تواند به دلیل ساختار متفاوت سرمایه اجتماعی در سطوح درآمدی متفاوت کشورها و همچنین وجود ترتیبات نهادی متفاوت در کشورها باشد. هرچه بسترهای مناسب‌تری در جوامع وجود داشته باشد، سرمایه اجتماعی ایجاد شده می‌تواند آثار مطلوب‌تری بر کارکرد حکمرانی و کاهش فساد داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، فساد اقتصادی، داده‌های تابلویی، گروه‌های درآمدی.

طبقه بندی JEL: C33, H27, O11

۱. استادیار، گروه مدیریت و اقتصاد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران.

Email: h.daliri@gu.ac.ir

۱. مقدمه

مفهوم و اهمیت تعاملات جمعی و فضیلت‌های اخلاقی در ساختار اجتماع و اقتصاد، ریشه در اعصار تاریخ دارد. فیلسوفان و جامعه‌شناسان مشهوری مانند مارکس^۱، روسو^۲، توکویل^۳ و آدام اسمیت^۴ مفهوم سرمایه اجتماعی را از طریق نظریه‌هایی مانند مبادله اجتماعی^۵ و قرارداد روان‌شناختی^۶ بیان کرده‌اند. اهمیت این مفهوم در پدیده‌های اقتصادی-اجتماعی سبب شد تا ماهیتی مجرد به خود بگیرد. عبارت «سرمایه اجتماعی» برای اولین بار در متون اقتصادی قرن نوزدهم استفاده شد.^۷

پاتنام^۸ باور دارد که اولین کاربرد مفهوم سرمایه اجتماعی را که تقریباً به معنای فعلی آن نزدیک است می‌توان در دهه دوم قرن بیستم و در مطالعات هانیفان^۹ یافت (Putnam, 2000; Farr, 2004). وی در توصیف سرمایه اجتماعی می‌گوید: «چیزی ملموس که بیشترین آثار را در زندگی روزمره مردم دارد، حسن نیت، رفاقت، همدلی و معاشرت اجتماعی در بین افراد خانواده‌هاست که سازنده واحد اجتماعی‌اند. اگر کسی با همسایه‌اش، همسایه‌اش با همسایگان دیگر تماس داشته باشند، حجمی از سرمایه اجتماعی انباشته خواهد شد که ممکن است بلافاصله نیازهای اجتماعی را برآورده سازد و شاید حاصل، ظرفیت اجتماعی بالقوه‌ای باشد که برای بهبود اساسی شرایط زندگی کل جامعه کفایت کند» (Hanifan, 1916).

ورود سرمایه اجتماعی به مباحث اجتماعی، سیاسی و اقتصادی سبب شد تا از آن به‌عنوان علتی برای توسعه و پیشرفت جوامع قلمداد شود. در همین راستا، سرمایه اجتماعی به‌عنوان عاملی مؤثر در شکل‌دهی رفتارهای جمعی و مبتنی بر ارتباطات اجتماعی نیز تلقی شد. یکی از مهم‌ترین این رفتارها که وابسته به ارتباطات اجتماعی است، فساد در جامعه است. فساد اقتصادی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌هایی است که امروزه جوامع و کشورهای دنیا در مسیر توسعه و پیشرفت با آن دست به‌گریبان‌اند. تشدید فساد اقتصادی می‌تواند آثار زیان‌بار بر توسعه اقتصادی داشته باشد. فساد هزینه‌های مبادله را به‌شدت افزایش می‌دهد و سبب افزایش ریسک فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. به همین دلیل انگیزه تولید و فعالیت اقتصادی بین عوامل کاسته می‌شود. این فرایند موجب می‌شود جوامعی که در آن‌ها فساد اقتصادی بالایی وجود دارد، اغلب از نظر عملکرد اقتصادی، اجتماعی و رفاهی نیز بسیار ضعیف باشند. به‌گونه‌ای که مطالعات این حوزه تأکید دارند، فساد می‌تواند آثار زیان‌باری بر رشد اقتصادی^{۱۰}، توزیع درآمد^{۱۱}

1. Marx
2. Rousseau
3. Tocqueville
4. Adam Smith
5. Social Exchange Theory
6. Psychological Contract Theory

۷. البته در آن دوره معنایی بسیار متفاوت با آنچه امروزه به‌طور معمول از سرمایه اجتماعی استنباط می‌شود وجود داشته است.

(Farr, 2004: 10; Woolcock, 1998: 159; Castiglione et al., 2007: 2)

8. Putnam
9. Hanifan

۱۰. بنگرید به: حکمتی فرید و همکاران (۱۳۹۴)، دل‌انگیزان و همکاران (۱۳۹۲).

۱۱. بنگرید به: ادیب‌پور و محمدی ویایی (۱۳۹۵)؛ سلاطین (۱۳۹۶)؛ رضایی و همکاران (۱۳۹۳).

جذب سرمایه‌گذاری خارجی،^۱ نرخ پس‌انداز،^۲ صادرات صنعتی^۳ و بسیاری دیگر از متغیرهای مطلوب اقتصادی و اجتماعی داشته باشد. به همین دلیل است که برنامه‌ریزان اقتصادی-اجتماعی تمایل دارند با شناسایی علل اساسی مؤثر بر فساد، میزان آن را کاهش دهند و یا راهکارهایی برای محدود کردن آن اتخاذ کنند.

در این مطالعه تلاش شده است تا ارتباط بین سرمایه اجتماعی و فساد اقتصادی در جهان بررسی شود. گستره کشورهای مورد مطالعه (۱۳۶ کشور) پژوهش حاضر را از مطالعات مشابه متمایز کرده است. علاوه بر این، تلاش شده تا ضمن دسته‌بندی کشورها در سطوح متفاوت درآمدی، ارتباط بین سرمایه اجتماعی و فساد اقتصادی با توجه به افزایش درآمد کشورها ارزیابی و مقایسه گردد. این مقایسه به‌عنوان نوآوری مقاله، برای اولین بار است که انجام می‌شود. در همین راستا، در ادامه مبانی نظری مربوط به سرمایه اجتماعی، فساد اقتصادی و ارتباط بین این دو مطرح شده است. علاوه بر این، تعدادی از مطالعات تجربی در این حوزه شرح داده شده و در پایان نیز با بیان مدل پژوهش و نمونه مورد بررسی، نتایج حاصل از برآوردهای تجربی تشریح شده است.

۲. مبانی نظری

به منظور تبیین پیشینه نظری پژوهش، به چند مبحث اصلی پرداخته می‌شود. ابتدا سرمایه اجتماعی به‌عنوان مفهومی بین‌رشته‌ای تبیین می‌شود. سپس مفهوم فساد اقتصادی و شاخص اندازه‌گیری آن به اختصار معرفی می‌شود. در انتهای این بخش نیز ارتباط نظری بین سرمایه اجتماعی و فساد اقتصادی تشریح می‌شود.

۲-۱. سرمایه اجتماعی

کلمن^۴ (۱۳۷۷) سرمایه اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند: «سرمایه اجتماعی یک شیء واحد نیست، بلکه مجموعه‌ای از انواع چیزهای گوناگون است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آن‌ها جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی را شامل می‌شوند و کنش‌های معین افرادی را که در درون آن ساختار اجتماعی هستند تسهیل می‌کنند.» آگوئیلرا^۵ (۲۰۰۲) معتقد است سرمایه اجتماعی از طریق روابط فرد با افراد دیگر ایجاد می‌شود. پاتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می‌شود و در نهایت، منافع متقابل آنان را تأمین می‌کند. فوکویاما سرمایه اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه معین از ارزش‌ها و معیارهای غیررسمی مشترک در بین اعضای گروه که آنان را به همکاری بیشتر با یکدیگر ترغیب می‌کند.» سرمایه اجتماعی با توجه با ساختار کارکردی خود، می‌تواند متغیری مؤثر در عملکرد اقتصادی باشد. به‌گونه‌ای که با تأثیری که بر هزینه مبادله و تسهیل ارتباطات خواهد داشت، می‌تواند باعث ارتقای همکاری‌های متقابل شود و از این طریق عملکرد اقتصادی و رفتاری در سطوح خرد و کلان را بهبود دهد.

۱. بنگرید به: تقی‌زاده و همکاران (۱۴۰۰)؛ خداپرست و کردی (۱۳۹۷).

۲. بنگرید به: اصغرپور و همکاران (۱۳۹۰).

۳. بنگرید به: باغبان‌پور و همکاران (۱۳۹۶).

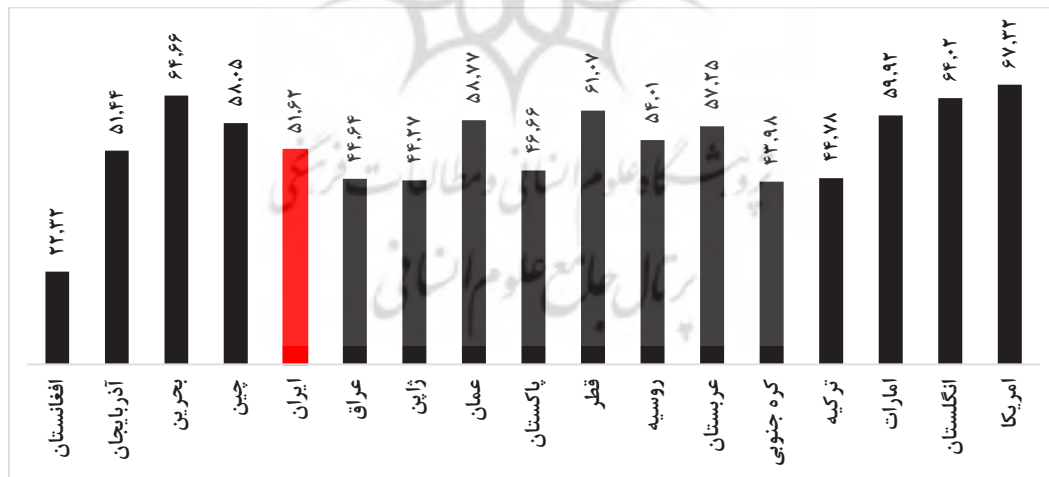
4. Coleman

5. Aguilera

بر اساس همین عملکرد بود که سرمایه اجتماعی توانست جایگاه ویژه‌ای در مطالعات اقتصادی و اجتماعی به خود اختصاص دهد؛ تا جایی که بسیاری از پژوهشگران باور دارند که سرمایه اجتماعی می‌تواند بسیاری از ویژگی‌های «سرمایه» در اقتصاد را دارا باشد (رنانی و دلیری، ۱۳۸۸).

با توجه به اهمیتی که سرمایه اجتماعی در تئوری‌های نوین اقتصادی پیدا کرد، لزوم اندازه‌گیری آن در سطح جهانی احساس شد. به همین دلیل مؤسسات گوناگونی برای معرفی شاخص ارزیابی آن تلاش کردند. یکی از شاخص‌های جهانی سرمایه اجتماعی برآوردی است که مؤسسه لگاتوم^۱ انجام می‌دهد. در روش‌شناسی محاسبه این شاخص، بیان می‌شود که شبکه‌های اجتماعی و انسجام جامعه، زمانی که افراد به هم اعتماد می‌کنند و به یکدیگر احترام می‌گذارند، تأثیر مستقیمی بر شکوفایی یک کشور دارد. شاخص سرمایه اجتماعی عملکرد کشورها را در سه حوزه اندازه‌گیری می‌کند: انسجام و مشارکت اجتماعی (سرمایه اجتماعی پل‌زننده یا برون‌گروهی)، شبکه‌های اجتماعی و خانواده (سرمایه اجتماعی درون‌گروهی) و مشارکت سیاسی و اعتماد نهادی (سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده). این شاخص ارزیابی می‌کند که چگونه عواملی مانند داوطلب شدن، کمک به غریبه‌ها و کمک به سازمان‌های خیریه بر عملکرد اقتصادی و رضایت از زندگی تأثیر می‌گذارد.^۲

شکل (۱) نشان‌دهنده جایگاه ایران در شاخص سرمایه اجتماعی لگاتوم در سال ۲۰۲۰ است. با توجه به این شکل، می‌توان دریافت که مقدار سرمایه اجتماعی در ایران برابر با ۵۱/۶ بوده که رقمی کمتر از کشورهای چین، بحرین، امارت و قطر است؛ اما در عین حال، بر اساس شاخص لگاتوم، عملکرد سرمایه اجتماعی در ایران بهتر از کشورهای همانند عراق، افغانستان و ژاپن است.



شکل ۱. مقدار شاخص سرمایه اجتماعی لگاتوم برای کشورهای منتخب در سال ۲۰۲۱

(مأخذ: داده‌های بانک جهانی).

1. Legatum

۲. برای مطالعه بیشتر درباره جزئیات محاسبه شاخص و همچنین روش‌شناسی و مبانی نظری هر یک از متغیرها، بنگرید به: سایت

مؤسسه لگاتوم www.prosperity.com

۲-۲. فساد

تعاریف متعددی در متون اقتصادی برای فساد اداری ارائه شده است. فساد به مجموعه‌ای از رفتارهای کارکنان بخش عمومی اطلاق می‌شود که برای تأمین منافع شخصی، قواعد و مقررات پذیرفته‌شده را نادیده می‌گیرند. بانک جهانی و مؤسسه شفافیت بین‌المللی^۱ بیان می‌کنند که فساد سوءاستفاده از قدرت عمومی برای منافع شخصی است. به بیان کلی، می‌توان ادعان داشت که فساد سوءاستفاده مقامات دولتی و مدیران بخش خصوصی از جایگاه خود برای منافع شخصی است. به باور اندیشمندان، فساد زمانی رخ می‌دهد که مقامات بخش دولتی مسئولیت مستقیمی برای تهیه و تأمین خدمات بخش عمومی دارند (Rose-Ackerman, 1997) و شامل موارد متفاوتی همچون رشوه، اختلاس، پارتی‌بازی، رابطه‌گرایی و... است (رحمانی و اصفهانی، ۱۳۹۵). به گزارش سازمان شفافیت بین‌المللی، فساد اداری دو بُعد دارد: اول، مقام دولتی در ارائه خدمات یا عقد قراردادهای نفع شخصی خود را دنبال کرده و منفعت کسب نماید. دوم، خدماتی که ارائه آن خلاف قانون است، با تبادل منافع مالی یا غیرمالی، ارائه شود. میزان فساد یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های حکمرانی خوب در جوامع است. به همین دلیل تلاش‌های متعددی برای اندازه‌گیری فساد در کشورها به انجام رسیده است. شاخص ادراک فساد (CPI)^۲ یکی از مهم‌ترین این شاخص‌هاست که سازمان شفافیت بین‌المللی هر ساله گزارش می‌کند و بر مبنای آن، مقدار فساد در کشورهای دنیا را با یکدیگر مقایسه می‌کند. بر اساس گزارش سال ۲۰۲۰، کشورهای دانمارک، نیوزلند، فنلاند، سنگاپور، سوئد، سوئیس، نروژ، هلند، آلمان و لوکزامبورگ به‌عنوان ده کشور برتر و کشورهای ونزوئلا، یمن، سوریه، سومالی و سودان جنوبی به‌عنوان پنج کشور انتهایی قرار گرفته‌اند. در این سال ایران با امتیاز ۲۵ در رتبه ۱۴۹ کشورهای دنیا قرار داشت. در مقایسه با کشورهای منطقه نیز می‌توان مشاهده نمود که در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، به‌طور متوسط مقدار شاخص برابر با ۳۹ بوده است و بهترین عملکرد مربوط به امارات با امتیاز ۷۱ و رتبه ۲۱، قطر با امتیاز ۶۳ و رتبه ۳۰ بوده است و ضعیف‌ترین عملکرد نیز مربوط به کشورهای لیبی، یمن و سوریه است. در بین ۱۸ کشور این منطقه، ایران در رتبه ۱۲ قرار گرفته است.^۳ البته شاخص‌های دیگری نیز برای اندازه‌گیری فساد در جوامع وجود دارد، اما شاخص ادراک فساد همه‌گیری بالاتری داشته و در مطالعات پژوهشی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این حال، انتقاداتی نیز به این شاخص‌ها وارد است.^۴

۲-۳. عوامل مؤثر بر فساد اقتصادی و نقش سرمایه اجتماعی در آن

عوامل متعددی می‌تواند بر میزان فساد در جوامع مؤثر باشد. برای مثال، افزایش درآمد سرانه به‌واسطه تأثیر بر رانت‌جویی، می‌تواند باعث کاهش فساد در جامعه شود (Persson et al., 2003; Damania et al., 2004). تورم نیز یکی از مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر فساد در جوامع است. افزایش تورم به‌واسطه تغییرات مکرر آن می‌تواند

1. Transparency International
2. Corruption Perception Index

۳. برای اطلاعات بیشتر، بنگرید به: www.transparency.org

۴. برای مطالعه بیشتر، بنگرید به: عطایی، امید. (۱۳۸۷). «نقدی بر شاخص‌های سنجش فساد شاخص ادراک فساد». گزارش‌های

کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۹۰۱۹.

نااطمینانی اقتصادی را تشدید کند و از این طریق تمایل به فساد را تحت الشعاع قرار دهد. تورم می‌تواند ارزش‌های اخلاقی را در جامعه تحریب کند. همچنین باعث کاهش قدرت خرید افراد می‌شود و از این طریق تمایل به تخطی از قانون را افزایش می‌دهد (رحمانی و اصفهانی، ۱۳۸۵). ساختار عملکردی دولت و اندازه دولت نیز می‌تواند متغیری مؤثر بر فساد باشد. ارتباط بین اندازه دولت و فساد موضوعی پرچالش است. از یک سو افزایش در اندازه دولت می‌تواند موجب فراهم شدن فرصت‌های بیشتری برای رانت‌جویی در جوامع شود و از این طریق فساد را افزایش دهد (Rose-Ackerman, 1997) و از سوی دیگر افزایش اندازه دولت می‌تواند به نظارت بالاتر و پاسخگویی بهتر منجر شود و از این طریق موجب کاهش فساد شود.

علاوه بر تمامی موارد اقتصادی، ساختارهای نهادی و فرهنگی نیز می‌تواند بر میزان فساد مؤثر باشد. یکی از مهم‌ترین این متغیرها سرمایه اجتماعی است. با توجه به ماهیت و کارکردی که سرمایه اجتماعی دارد، انتظار بر آن است که بین سرمایه اجتماعی و فساد ارتباط محکمی وجود داشته باشد. زمانی که هنجارهای فردی ضعیف باشند، افراد الزامات قانونی را کمتر رعایت خواهند کرد. از سوی دیگر هنجارهای اجتماعی نیز می‌تواند عاملی مهم در تعیین میزان فساد باشد. هرچه اطرافیان افراد فساد را رفتاری بد بدانند، ارتکاب فساد توسط فرد کمتر خواهد شد (Nieuwenboer & Kaptein, 2008).

بارنسکوف (۲۰۰۳) باور دارد که افزایش سرمایه اجتماعی می‌تواند به کاهش فساد منجر شود.^۱ سرمایه اجتماعی از یک سو با گسترش جریان اطلاعات، بهبود همکاری جمعی بین کنشگران اجتماعی و همچنین اثری که شهرت بر بازدارندگی افراد برای تخطی از قانون خواهد داشت، می‌تواند به کاهش فساد در اقتصاد منجر شود. کشورهایی که در آن مردم صداقت بالاتری دارند، فساد کمتر است (Bjørnskov, 2003; Grootaert, 1998). اسوندسون^۲ (۲۰۰۳) نیز سرمایه اجتماعی را به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده برای فساد می‌داند. او باور دارد که اگر اعتماد عمومی در جامعه و اعتماد مردم به دولت خدشه‌دار شود، فساد گسترش خواهد یافت.

فساد می‌تواند به‌عنوان یکی از شاخصه‌های حکمرانی خوب قلمداد شود؛ بنابراین، سرمایه اجتماعی از طریق بهبود حکمرانی نیز می‌تواند بر فساد مؤثر باشد. پاتنام باور دارد که سرمایه اجتماعی می‌تواند موجب بهبود حکمرانی شود و حکومت‌های خوب نیز توانایی بالاتری در حفظ سرمایه اجتماعی خواهند داشت. سرمایه اجتماعی قادر است کارایی جامعه را از طریق تسهیل کنش‌های هماهنگ جمعی بهبود دهد. از دیدگاه پاتنام، متغیرهایی همانند الزامات اخلاقی و هنجارها، اعتماد اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی که عناصر سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند تضمین‌کننده حکمرانی خوب خواهند بود. بویکس و پوسنر^۳ (۱۹۹۸) ارتباط بین سرمایه اجتماعی و کیفیت عملکرد حکومت‌ها را در قالب پنج مدل کلی دسته‌بندی می‌کنند: ۱. رأی‌دهندگان عقلایی و نخبگان رقابت‌پذیر.^۴

۱. برای مطالعه مدل ارائه‌شده بارنسکوف، بنگرید به:

Bjørnskov, C. (2003). "Corruption and Social Capital". *Working Papers*, 03-13, Department of Economics, Aarhus School of Business, January 7.

2. Svendsen

3. Boix & Posner

4. Rational Voters & Competitive Elites

۲. قانون‌پذیری یا رعایت قانون.^۱ ۳. فضیلت مدنی.^۲ ۴. کارایی بوروکراتیک.^۳ ۵. سازش نخبگان.^۴ با توجه به هر یک از مدل‌ها، استدلال می‌شود که سرمایه اجتماعی چگونه می‌تواند بر حکمرانی و کیفیت آن مؤثر باشد. پیداست که تأثیر سرمایه اجتماعی از مسیر حکمرانی خوب بر مقدار فساد در جامعه نیز می‌تواند با همین پنج قالب تبیین شود. از سوی دیگر، علاوه بر مطالعاتی که بر اثر مثبت سرمایه اجتماعی بر کنترل فساد تأکید دارند، اندیشمندانی نیز بر این باورند که سرمایه اجتماعی می‌تواند در حالتی تشدیدکننده فساد باشد. سرمایه اجتماعی ماهیتاً تعامل به افراد درون شبکه را نشان می‌دهد. از آنجا که قاعدتاً نمی‌توان تعاملات مبتنی بر فساد را به صورت علنی انجام داد، تنها چند نفر از افراد مورد اعتماد دسترسی به این شبکه خواهند داشت. در دیدگاه بدبینانه می‌توان اذعان داشت که اساساً سرمایه اجتماعی نوعی پارتی‌بازی است؛ یعنی شما کسانی را که می‌شناسید از همان‌ها استفاده می‌کنید و این رویه گاهی می‌تواند به تخصیص ناکارآمد منابع و گسترش فساد منجر شود. به همین دلیل است که مطالعات این حوزه تأکید دارند که درک و تمایز انواع گوناگون سرمایه اجتماعی به منظور کشف رابطه بین سرمایه اجتماعی و فساد بسیار مهم است.

پاتنام (۲۰۰۰) به دو نوع سرمایه اجتماعی، یعنی سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی (پل‌زننده) اشاره می‌کند.^۵ فساد، به‌ویژه فساد سیاسی و عمومی، اغلب با سرمایه اجتماعی درون‌گروهی تقویت می‌شود؛ زیرا فاصله اجتماعی کم، سطح بالایی از اعتماد و همچنین وفاداری درون‌گروهی را ایجاد می‌کند که به رفتارهای متقابل خاص در درون گروه کمک می‌کند؛ این رفتارها تنها مختص افراد درون شبکه است و برای افراد بیرون شبکه سودمند نیست. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی زمانی که امکان طرد افراد خارج از گروه را فراهم می‌کند، موجب فساد می‌شود. انحصار در یک شبکه فاسد، به دلیل نیاز ضروری به پنهان کردن معاملات فاسد، ضروری است؛ زیرا فساد نه تنها عملی غیرقانونی است، بلکه هنجار انصاف را نیز نقض می‌کند که احتمالاً باعث خشم کسانی می‌شود که به «درون‌گروه» تعلق ندارند؛ بنابراین، اعضای شبکه‌های فاسد باید در تصمیم‌گیری با اینکه با چه کسی ارتباط برقرار می‌کنند مراقب باشند. در نتیجه دسترسی به یک شبکه فاسد فقط به کسانی محدود می‌شود که روابط طولانی‌مدت با یکدیگر برقرار کرده‌اند (دلیری، ۱۴۰۱).

۳. پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی چه در ایران و چه در دنیا به بررسی عوامل مؤثر بر فساد پرداخته‌اند.^۶ برای مثال، پهلولوند و عربی (۱۴۰۰) در مطالعه خود به این نتیجه رسیده‌اند که متغیرهایی مانند ثبات سیاسی، دموکراسی، جهانی‌سازی اقتصادی،

1. Rule Compliance
2. Civic Virtue
3. Bureaucratic Efficiency
4. Elite Accommodation

۵. اولی نشان‌دهنده سرمایه اجتماعی است که در درون گروه‌های انحصاری افراد مشابه یا افرادی که علائق مشابهی دارند (مانند کلیساها، گروه‌های کتاب‌خوانی یا سازمان‌های قومی) توسعه می‌یابد. دومی شامل روابط اجتماعی است که به ارتباطات برون‌گروهی نگاه می‌کند و افراد را در طیف‌های مختلف اجتماعی دربرمی‌گیرد.

۶. به‌منظور رعایت اختصار، تنها به معرفی چند عنوان از مطالعات داخلی کفایت شد که روی عوامل مؤثر بر فساد تأکید داشته‌اند.

حقوق مالکیت، بنیان حقوقی سوسیالیستی و تنوع زبانی و تنوع نژادی، از جمله مؤثرترین عوامل بر شاخص فساد مالی‌اند. علاوه بر این، با توجه به مطالعه بین‌کشوری آنان، متغیرهای آزادی سرمایه‌گذاری، وفور منابع طبیعی و درآمد سرانه، آزادی تجارت، مخارج نظامی و اندازه دولت نیز بر فساد مؤثر است؛ اما متغیرهای آزادی کسب و کار و آزادی سیاست پولی تأثیر معناداری بر شاخص فساد مالی در کشورهای مورد بررسی نداشتند.

صادقی و شهیازی (۱۴۰۰) به بررسی ارتباط بین شاخص امنیت اقتصادی و فساد در ایران پرداختند. نتایج آنان نشان از آن دارد دولتی که شاخص کنترل فساد کمتر از ۰/۴۵ داشته باشد، افزایش اندازه کنترل فساد اثر معنادار و منفی بر امنیت اقتصادی دارد؛ اما در دولت با شاخص کنترل فساد بزرگ‌تر، کنترل فساد اثری مثبت بر امنیت اقتصادی خواهد داشت. به بیان دیگر، رابطه غیرخطی بین فساد اقتصادی و امنیت اقتصادی در ایران وجود دارد. همایونی‌فر و توتونچی (۱۴۰۰) با بررسی کشورهای تولیدکننده نفت به این نتیجه رسیدند که رشد اقتصادی، دموکراسی، ساختار توزیع درآمد، نسبت هزینه‌های دولت به تولید و بروکراسی بر میزان فساد در کشورهای تولیدکننده نفت مؤثرند.

به‌رغم همه پژوهش‌هایی که درباره فساد و علل آن به انجام رسیده، مطالعات انجام‌شده در حوزه ارتباط بین سرمایه اجتماعی و فساد اقتصادی بسیار محدود بوده و تقریباً مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های اقتصاد کلان بین‌کشوری در دنیا وجود ندارد که با هدف مقایسه اثر سرمایه اجتماعی بر فساد اقتصادی در سطوح متفاوت درآمدی کشورها برنامه‌ریزی شده باشد.

بررسی مطالعات انجام‌شده در این زمینه نشان از آن دارد که تا کنون مطالعه‌ای برای ارزیابی تأثیر سرمایه اجتماعی بر فساد در سطوح کلان به انجام نرسیده است. علاوه بر این، تحقیقی به صورت مقایسه‌ای بین کشوری وجود ندارد.

صیادزاده و علمی (۱۳۹۲) در مطالعه خود به بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و فساد و نحوه تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی با استفاده از مدل‌های دستگاه معادلات هم‌زمان و داده‌های مقطعی سال ۲۰۰۷ پرداخته‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان از آن دارد که فساد اثر منفی بر رشد اقتصادی و سرمایه اجتماعی اثر منفی بر فساد اقتصادی و تلویحاً اثر مثبت بر رشد دارد.

دانایی‌فرد و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه میدانی بین ۳۹۱ نفر از کارکنان سازمان‌های دولتی، به بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و فساد پرداخته‌اند. به باور آنان، روابط غیررسمی و شبکه‌های مبتنی بر اعتماد حاصل از سرمایه اجتماعی سبب خواهد شد تا دسترسی به اطلاعات و اعتماد بین طیفی خاص از افراد بهبود یابد و این خود می‌تواند به تشدید فساد منجر شود. نتایج این بررسی نشان از آن دارد که وجود سرمایه اجتماعی در میان کارکنان بخش دولتی باعث افزایش تمایل به فساد خواهد شد.

در مطالعات خارجی نیز تلاش‌هایی برای برقرار ارتباط بین سرمایه اجتماعی و فساد انجام شده است. لپست و لنز^۱ (۲۰۰۰) به بررسی تجربی تأثیر خانواده‌گرایی^۲ بر فساد پرداخته‌اند. آنان مقیاسی از خانواده‌گرایی ایجاد کردند

1. Lipset & Lenz

2. Familism

که برگرفته از سه معیار به دست آمده از بررسی ارزش جهانی در سال ۱۹۹۰ و آمارهای بانک جهانی بود. آنان دریافتند کشورهایی که امتیاز بالایی در مقیاس خانواده‌گرایی دارند در بین کشورهای فاسدتر جای می‌گیرند. همچنین دریافتند که این مشاهدات، به‌ویژه درباره اکثر کشورهای آسیایی صادق است که به دلیل پیوندهای خانوادگی قوی خود شناخته شده‌اند. در حالی که اسکاندیناوی‌ها که کمترین امتیاز را در مقیاس خانواده‌گرایی دارند کمترین فساد را دارند؛ بنابراین، می‌توان دریافت که در ارتباط بین سرمایه اجتماعی و فساد نیز سطح سرمایه اجتماعی (درون‌گروهی یا برون‌گروهی بودن آن) و منبع تشکیل سرمایه اجتماعی بسیار حائز اهمیت خواهد بود.

بارنسکوف (۲۰۰۳) با استفاده از داده‌های مربوط به ۲۹ کشور دنیا و با به‌کارگیری شاخص فساد سازمان شفافیت بین‌المللی، به بررسی ارتباط بین فساد و سرمایه اجتماعی پرداخت. نتایج این بررسی نشان از آن دارد که کاهش فساد همبستگی بالایی با افزایش سرمایه اجتماعی دارد و رابطه علی از طرف سرمایه اجتماعی به فساد است.

بنرجی^۱ (۲۰۱۶) با استفاده از داده‌های یک آزمایش آزمایشگاهی، ارتباط بین فساد و سرمایه اجتماعی را -که به‌عنوان اعتماد اندازه‌گیری می‌شود- بررسی کرده است. نتایج تحقیق وی عبارت است از: الف) اثر سرریز منفی فساد بر اعتماد وجود دارد و با کاهش هنجار تناسب اجتماعی تقاضای رشوه، تأثیر آن افزایش می‌یابد. ب) اعتماد کمتر به بازی رشوه‌خواری با بازگشت کمتر مورد انتظار اعتماد توضیح داده می‌شود. ج) با کمال تعجب، برای هر دو روش رشوه‌خواری و بازی اولتیماتوم، نقض هنجار تناسب اجتماعی از طریق تأثیر نامطلوب خود بر باور در مورد قابل اعتماد بودن، باعث زوال اعتماد می‌شود.

واچز^۲ و همکاران (۲۰۱۹) با مطالعه موردی ارتباط بین فساد و سطوح متفاوت سرمایه اجتماعی در مجارستان، به این نتیجه رسیده‌اند که سطوح سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی می‌تواند آثار متفاوتی بر فساد داشته باشد. تشدید سرمایه اجتماعی درون‌گروهی می‌تواند سبب افزایش ریسک فساد شود و سرمایه اجتماعی برون‌گروهی این احتمال را کمتر خواهد کرد.

پوتری^۳ و همکاران (۲۰۲۱) به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتار رشوه‌خواری در یکی از ایالت‌های کشور اندونزی با استفاده از نمونه ۲۱۴ نفری پرداختند. این بررسی نشان از آن دارد که سرمایه اجتماعی می‌تواند سبب تعدیل رفتاری مبتنی بر رشوه‌خواری از سوی قانون‌گذاران شود.

۴. روش‌شناسی پژوهش

در این مطالعه با بهره‌برداری از داده‌های بین‌کشوری در دنیا، به این موضوع خواهیم پرداخت که آیا سرمایه اجتماعی به‌عنوان مفهومی که از کنش‌های اجتماعی نشئت می‌گیرد، می‌تواند بر فساد اقتصادی مؤثر باشد یا خیر. در این راستا، سؤالات اصلی پژوهش حاضر عبارت است از:

- آیا سرمایه اجتماعی سبب کاهش فساد اقتصادی در کشورهای دنیا می‌شود؟
- آیا مقدار تأثیر سرمایه اجتماعی بر فساد اقتصادی در دسته‌های درآمدی گوناگون کشورها، متفاوت خواهد بود؟

پاسخ به این سوالات می‌تواند ابزار مناسبی برای سیاست‌گذاری کلان با هدف بهبود ساختار حکمرانی و کاهش فساد فراهم آورد. بدهی است بهبود فساد در جوامع می‌تواند اثرات مفیدی بر عملکرد اقتصادی-اجتماعی داشته باشد و موجب توسعه و پیشرفت اقتصادی شود.

برای آزمون تجربی اینکه آیا سرمایه اجتماعی می‌تواند سبب تغییر در فساد بین کشورها شود، از داده‌های ۱۳۶ کشور دنیا در بازه ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰ استفاده شد. سپس با روش برآورد داده‌های تابلویی، ارتباط بین این دو متغیر در گروه‌های مختلف درآمدی کشورها مورد آزمون قرار گرفت؛ به گونه‌ای که ۱۸ کشور کم‌درآمد، ۳۵ کشور با درآمد کمتر از متوسط، ۳۴ کشور با درآمد بیش از متوسط و ۴۹ کشور پردرآمد در نمونه مورد بررسی وجود دارند. کشورها بر اساس مقادیر درآمد ناخالص ملی (GNI) و با توجه به دسته‌بندی انجام‌شده از سوی بانک جهانی در چهار دسته کلی قرار گرفته‌اند.

فرضیه‌های مطالعه حاضر با استفاده از داده‌های تابلویی^۱ آزمون خواهد شد. مدل رگرسیونی داده‌های تابلویی را می‌توان به این صورت نمایش داد:

$$Y_{it} = \alpha_i + \beta_1 X_{it} + \dots + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که در این معادله i بیانگر مقاطع (در اینجا تعداد کشورهای مورد بررسی در هر گروه درآمدی)، t بیانگر دوره زمانی (سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۲۰) است. Y_{it} ماتریسی در ابعاد $NT \times 1$ (در این مطالعه فساد متغیر وابسته است و برای اندازه‌گیری آن از شاخص ادراک فساد استفاده می‌شود)، X ماتریسی در ابعاد $NT \times K$ و β نیز برداری به بُعد $K \times 1$ است. در اینجا K ، تعداد متغیرهای توضیحی موجود (بدون احتساب عرض از مبدأ) در X_{it} خواهد بود. در مدل مورد استفاده مقاله حاضر، متغیرهای توضیحی شامل این موارد است: شاخص سرمایه اجتماعی برآوردشده از سوی مؤسسه لگاتوم؛ دو متغیر نرخ تورم و اندازه دولت (نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی) به عنوان متغیرهای کنترلی.

همان‌گونه که در بخش قبل توضیح داده شد، کشورها بر اساس سطح درآمدی به چهار دسته کلی تقسیم می‌شوند و در هر یک از دسته‌ها به‌طور مجزا برآورد با روش داده‌های تابلویی صورت می‌گیرد. روش داده‌های تابلویی مشتمل بر سه نوع تخمین است: تخمین‌های بین گروه،^۲ درون گروه^۳ یا اثرات ثابت^۴ و اثرات تصادفی.^۵

در تخمین‌های بین گروه، رگرسیون روی میانگین‌هاست. در تخمین‌های درون گروه، بعد زمان در نظر گرفته نمی‌شود و تنها اثراتی که مختص به هر یک از مقاطع است، به عنوان اثرات انفرادی منظور می‌گردد. به عبارت دیگر، در روش اثرات ثابت، فرض می‌شود که اختلاف بین واحدها را می‌توان به صورت تفاوت در عرض از مبدأ نشان داد و بنابراین، در مدل $Y_{it} = \alpha_i + \beta_1 X_{it} + \dots + \varepsilon_{it}$ هر (α_i) یک پارامتر ناشناخته است که باید برآورد

1. Panel Data
2. Between groups
3. Within group
4. Fixed effects
5. Random effects

شود. در تخمین اثرات تصادفی، فرض می‌شود که عرض از مبدأ (α_i) دارای توزیع مشترکی با میانگین α و واریانس σ_a^2 است. به عبارت دیگر، فرض می‌شود عرض از مبدأ، جمله اختلالی شبیه ε_{it} است و برخلاف روش قبلی، با متغیرهای توضیحی مدل ناهم‌بسته‌اند. در این روش، عامل زمان منظور می‌شود و اثرات انفرادی واحدها در طول زمان به‌طور جداگانه به‌عنوان متغیرهای توضیحی وارد مدل می‌شوند. جزء عرض از مبدأ در این روش، دارای یک قسمت ثابت و یک قسمت تصادفی است و فرض حاکم بر این جزء تصادفی، شبیه فروض حاکم بر جزء اخلاص است و این دو، جزء اخلاص جدیدی به وجود می‌آورند. از این‌رو، مدل با اثرات تصادفی به‌صورت زیر خواهد بود:

$$Y_i = \alpha + \beta X_{it} + u_i + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

که دارای k تخمین‌زننده به اضافه یک عرض از مبدأ است. مؤلفه u_i مشخص‌کننده جزء تصادفی مربوط به i امین واحد و در طول زمان ثابت است. در مطالعات کاربردی می‌توان u_i را آن دسته از ویژگی‌های خاص مربوط به هر مقطع در نظر گرفت که در مدل وارد نشده‌اند. باید توجه داشت که در این حالت، واریانس‌های مربوط به مقاطع مختلف یکسان نیست و مدل دچار واریانس ناهمسانی است که باید به جای روش OLS از روش GLS استفاده شود (Green, 2012). در برآورد به روش داده‌های تابلویی، ابتدا آزمون مانایی برای همه متغیرهای موجود در مدل انجام شد. در ادامه با استفاده از آزمون F لیمر^۱ و آزمون هاسمن^۲ در مورد نوع برآورد تصمیم‌گیری شد. همچنین آزمون‌های نقض فرضیه‌های مرتبط نیز انجام شد. بر همین اساس، مدل مورد استفاده پژوهش به‌صورت ذیل خواهد بود:

$$CPI_{it} = \beta_0 + \beta_1 SC_{it} + \beta_2 \pi_{it} + \beta_3 GC_{it} \quad (3)$$

که در این معادله CPI نشان‌دهنده شاخص فساد اقتصادی است که از مقادیر شاخص برآوردی ادراک فساد استفاده می‌شود. SC شاخص سرمایه اجتماعی گزارش شده از سوی بانک جهانی است و π_{it} نرخ تورم، GC نیز مخارج دولتی در کشورهای مورد بررسی برای دوره زمانی مشخص است.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. تجزیه و تحلیل داده‌ها

خلاصه داده‌های اصلی مورد استفاده در این پژوهش، یعنی سرمایه اجتماعی و شاخص ادراک فساد، به تفکیک گروه‌های درآمدی در جدول (۱) قابل مشاهده است. با توجه به جدول، می‌توان مشاهده کرد که میانگین سرمایه اجتماعی برای کشورهای پردرآمد بیش از متوسط کل کشورهاست و این کشورها در شاخص سرمایه اجتماعی، انحراف معیار بیشتر از متوسطی نسبت به کل کشورهای دنیا دارند. از سوی دیگر، کشورهای کم‌درآمد کمترین

1. Leamer

برای انتخاب بین دو روش داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی (روش ترکیبی OLS) از آماره F لیمر استفاده می‌شود. این آزمون مقایسه بین مجموع مربعات جمله خطا SSR در روش داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی است.

2. Hausman Test

مقدار سرمایه اجتماعی را در بین دسته‌های مختلف کشورها دارند. به‌روشنی می‌توان مشاهده کرد که با افزایش سطوح درآمدی کشورها، مقدار میانگین سرمایه اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد. در شاخص ادراک فساد نیز میانگین عملکردی در کشورهای پردرآمد بیش از متوسط دنیا و سایر دسته‌های درآمدی کشورهاست. در این شاخص نیز کمترین مقدار ادراک فساد مربوط به کشورهای کم‌درآمد است؛ تا جایی که این شاخص برای کشورهای کم‌درآمد کمتر از نصف کشورهای پردرآمد بوده است. در اینجا نیز با افزایش درآمد در کشورها، مقدار میانگین شاخص ادراک فساد افزایش می‌یابد. این روند می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت بالای ارتباطی بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی، ادراک فساد و سطوح درآمدی کشورها باشد.

جدول ۱. خلاصه آمار توصیفی داده‌های مورد استفاده در پژوهش

کل کشورها	پدرآمدها	درآمد بیش از متوسط	درآمد کمتر از متوسط	کم‌درآمد	متغیر مورد بررسی	
۵۲/۴۶	۵۹/۳۸	۴۹/۸۱	۴۸/۵۰	۴۶/۳۱	میانگین	سرمایه اجتماعی
۹/۶۶	۱۰/۴۹	۶/۳۳	۶/۱۸	۶/۶۹	انحراف معیار	
۲۶/۵۳	۳۵/۴۹	۳۴/۲۸	۳۵/۱۰	۲۶/۵۳	حداقل	
۸۱/۰۸	۸۱/۰۸	۶۷/۳۷	۶۶/۷۵	۵۹/۹۶	حداکثر	
۴۵/۴۲	۶۵/۶۵	۳۷/۹۱	۳۳/۲۴	۲۸/۳۷	میانگین	فساد
۱۹/۱۶	۱۴/۸۸	۹/۶۰	۷/۷۳	۹/۱۹	انحراف معیار	
۱۱	۳۵	۱۶	۱۵	۱۱	حداقل	
۹۲	۹۲	۶۵	۶۹	۵۶	حداکثر	
۱۲۲۴	۴۴۱	۳۰۶	۳۱۵	۱۶۲	تعداد کل مشاهده	

(مأخذ: یافته‌های پژوهش).

۵-۲. یافته‌ها

همان‌گونه که در بخش‌های قبلی تشریح شد، برآورد مدل با استفاده از روش داده‌های تابلویی و در دسته‌های مختلف درآمدی انجام شد. نتایج این برآورد در جدول (۳) قابل مشاهده است. با توجه به نتایج ارائه‌شده در این جدول می‌توان دریافت که در تمامی دسته‌های درآمدی، سرمایه اجتماعی باعث بهبود ادراک فساد در کشورها شده است؛ به عبارت دیگر، افزایش سرمایه اجتماعی در تمامی سطوح درآمدی کشورها، از کم‌درآمدها تا پردرآمدها، توانسته است فساد در کشور را بهبود دهد. با توجه به جدول، با افزایش یک واحد سرمایه اجتماعی در کشورهای کم‌درآمد، شاخص ادراک فساد در این دسته از کشورها تقریباً $0/19$ واحد بهبود می‌یابد. در این دسته از کشورها افزایش تورم سبب تشدید فساد می‌شود و مخارج عمومی دولت نیز اثر معناداری در کاهش فساد نخواهد داشت. در بین کشورهایی با درآمد کمتر از متوسط، افزایش یک واحدی در شاخص سرمایه اجتماعی می‌تواند $0/15$ واحد ادراک فساد را افزایش دهد؛ بنابراین، در این دسته از کشورها نیز سرمایه اجتماعی به‌عنوان متغیر بهبوددهنده فساد عمل می‌کند. در این دسته نیز تورم اثر فزاینده‌ای بر فساد دارد. در کشورهایی با درآمد کمتر از متوسط، افزایش یک واحدی سرمایه اجتماعی می‌تواند باعث بهبود شاخص فساد به اندازه $0/19$ شود. در بین این کشورها نیز تورم

اثر فزاینده‌ای بر فساد دارد. در کشورهای پردرآمد، سرمایه اجتماعی اثر بزرگ‌تری بر بهبود فساد خواهد داشت؛ به‌گونه‌ای که با افزایش یک‌واحدی در شاخص سرمایه اجتماعی، شاخص ادراک فساد در این کشورها به اندازه تقریباً یک واحد بهبود می‌یابد.

جدول ۲. نتایج حاصل از برآورد مدل

کل کشورها	پردرآمدها	درآمد بیش از متوسط	درآمد کمتر از متوسط	کم‌درآمدها	
خروجی برآورد رگرسیون					
عرض از مبدأ	۷/۷۴۳۶	۲۹/۶۳۴	۲۷/۰۲۶	۱۹/۰۵۲	
	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)	
تورم	-۰/۶۴۶۴	-۰/۲۵۲۳	-۰/۲۴۹۲	-۰/۰۵۶۲	
	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)	(۰/۰۰۴)	(۰/۰۹)	
مخارج دولت	-۰/۱۳۰۵	-۰/۴۰۲۲	۰/۵۷۰۶	-۰/۰۵۷۸	
	(۰/۵۶)	(۰/۴۸)	(۰/۱۶)	(۰/۵۰۶)	
سرمایه اجتماعی	۱/۰۰۷۳	۰/۱۹۰۱	۰/۱۵۵۲	۰/۱۹۴۰	
	(۰/۰۰)	(۰/۰۴)	(۰/۰۳)	(۰/۰۰)	
نوع برآورد	GLS	Pool	Pool	GLS	
تعداد مقاطع	۴۹	۳۴	۳۵	۱۸	
آزمون‌های تشخیصی					
F لیمر	۱۴۲/۸۱	۹۷/۶۰	۹۴/۴۰	۱۳۸/۳۸	
	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)	(۰/۰۰)	
آزمون هاسمن	۵۵/۹۵	۱/۵۲	۰/۷۲	۹/۷۸	
	(۰/۰۰)	(۰/۶۷)	(۰/۸۶)	(۰/۰۲)	
ناهمسانی واریانس	۲۱۹۳/۱۷	-	-	۱۳۰/۱۳	
	(۰/۰۰)			(۰/۰۰)	
همبستگی سریالی	۶۳/۴۶	-	-	۱۵/۸	
	(۰/۰۰)			(۰/۰۰)	
آزمون بروش پاگان	-	۷۴۶/۱۷	۷۱۳/۷۷	-	
		(۰/۰۰)	(۰/۰۰)		

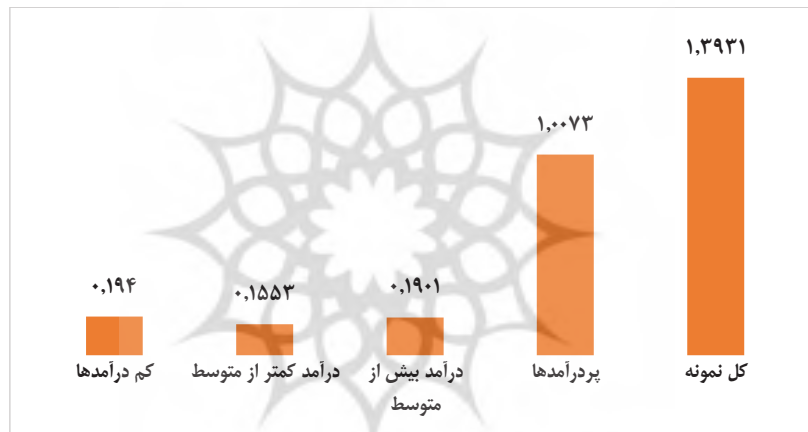
* اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده سطح معناداری است.

(مأخذ: یافته‌های پژوهش).

بدیهی است نتایج نشان از آن دارد که ساختارها و ترتیبات موجود برای سرمایه اجتماعی در کشورهای پردرآمد به‌گونه‌ای است که می‌تواند سرمایه اجتماعی را به‌عنوان عاملی مهم و کاهنده برای فساد تبدیل کند. در این ساختار، به دلیل توسعه پیوندهای برون‌گروهی و وجود ترتیبات نهادی توسعه‌یافته، ساختارهای نظارتی مبتنی بر بازار و حاکمیت بالاتر قانون، اثرات سوء سرمایه اجتماعی خود را کمتر نشان خواهد داد. همان‌گونه که در بخش مبانی توضیح داده شد، سرمایه اجتماعی در صورتی که در سطوح درون‌گروهی تمرکز پیدا کند و ترتیبات نهادی جامعه هم‌راستا با آن توسعه نیابد، می‌تواند تشدیدکننده فساد باشد.

۶. نتیجه گیری

این مقاله به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر فساد اقتصادی در کشورهای دنیا پرداخت. با توجه به شکل (۱) می توان مشاهده کرد که سرمایه اجتماعی در تمامی گروه های درآمدی کشورهای مورد بررسی می تواند سبب بهبود شاخص ادراک فساد شود و از این طریق فساد را در کشور کاهش دهد؛ بنابراین، پاسخ سؤال اول پژوهش مبنی بر اینکه «آیا سرمایه اجتماعی سبب کاهش فساد اداری و اقتصادی در کشورهای دنیا می شود؟» مثبت خواهد بود. علاوه بر این، مقایسه بین گروه های درآمدی نشان از آن دارد که در کشورهای پردرآمد، تأثیری که سرمایه اجتماعی بر کنترل فساد دارد بسیار بزرگ تر از سایر دسته های درآمدی است. به عبارت دیگر، در این دسته از کشورها کیفیت و کمیت سرمایه اجتماعی ایجاد شده می تواند عامل مهمی برای کاهش فساد باشد. در حالی که در کشورهای کمتر توسعه یافته سرمایه اجتماعی تأثیر کمتری بر کنترل فساد دارد. به همین دلیل، می توان اذعان کرد که پاسخ سؤال دوم پژوهش مبنی بر اینکه «آیا مقدار تأثیر سرمایه اجتماعی بر فساد اداری و اقتصادی در دسته های درآمدی مختلف از کشورها، متفاوت خواهد بود؟» نیز - همان گونه که در شکل (۲) می توان مشاهده کرد - مثبت خواهد بود.



شکل ۲. اندازه تأثیر سرمایه اجتماعی بر فساد اقتصادی در دسته های متفاوت درآمدی کشورها

(مأخذ: یافته های پژوهش).

این نتیجه می تواند به واسطه برهم کنش سطوح متفاوت سرمایه اجتماعی در این جوامع باشد؛ به گونه ای که اغلب سرمایه اجتماعی تشکیل شده در کشورهای کمتر توسعه یافته در سطوح خرد گسترش یافته است و این سطوح از سرمایه اجتماعی تأثیر بزرگی بر کاهش فساد نخواهد داشت. حتی بسیاری از مطالعات این حوزه نشان می دهد که افزایش سرمایه اجتماعی درون گروهی، بدون آنکه سرمایه اجتماعی برون گروهی تقویت شود، می تواند به تشدید فساد نیز منجر شود (Wachs et al., 2019)؛ بنابراین، برای تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی بر کنترل فساد، نیاز است سطوح سرمایه اجتماعی درون گروهی و برون گروهی به صورت متناسب توسعه یابند تا سرمایه اجتماعی تبدیل به عاملی برای کاهش فساد گردد. بر همین اساس، این سؤال می تواند به عنوان موضوع پژوهش های آتی قلمداد شود که آیا انواع متفاوت سرمایه اجتماعی می تواند آثار متفاوتی بر فساد در جامعه داشته باشد؟ آیا کیفیت سرمایه اجتماعی تشکیل شده در جوامع گوناگون، تفاوت معناداری با هم دارند؟

با توجه به نتایج به دست آمده در این پژوهش، می‌توان دریافت که سرمایه اجتماعی، در صورتی که ساختار بهینه‌ای داشته باشد، می‌تواند عامل کاهنده فساد در کشور قلمداد شود. بدیهی است افزایش سطوح سرمایه اجتماعی در صورتی که همراه با گسترش ترتیبات نهادی در جامعه همراه باشد، می‌تواند سبب تأثیر قوی‌تر سرمایه اجتماعی بر کاهش فساد گردد. از این‌رو نیاز است برنامه‌ریزان کلان به منظور کاهش فساد در جامعه، تأکید ویژه‌ای بر تشکیل سرمایه اجتماعی به خصوص سرمایه اجتماعی برون‌گروهی انجام دهند. توسعه سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در صورتی که با گسترش ساختارهای نهادی در جامعه همراه باشد، می‌تواند باعث کاهش فساد گردد. عدم توسعه متوازن سطوح سرمایه اجتماعی می‌تواند حتی به تشدید فساد در جامعه منجر شود.

منابع

- ادیب‌پور، مهدی؛ محمدی ویایی، آزاده. (۱۳۹۵). «اثر فساد اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد». *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۴(۱۴)، ۱۵۳-۱۶۸.
- اصغری‌پور، حسین؛ سلمانی، بهزاد؛ فشاری، مجید؛ دهقانی، علی. (۱۳۹۰). «تأثیر فساد اداری بر نرخ پس‌انداز ناخالص ملی کشورهای منطقه MENA (رهیافت داده‌های تابلویی پویا)». *تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ۱(۳)، ۹۹-۱۲۱.
- باغبان‌پور، جواد؛ رحمانی، تیمور؛ لیشی، زینب؛ احمدی صنوبری؛ فاطمه. (۱۳۹۶). «بررسی تأثیر فساد اقتصادی بر صادرات صنعتی کشورهای در حال توسعه». *اقتصاد کاربردی*، ۷(۲۲)، ۲۳-۳۴.
- بهلولوند، الهه؛ عربی، سید هادی. (۱۴۰۰). «شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر فساد مالی مبتنی بر رویکرد بیزین (مطالعه موردی: کشورهای غنی از منابع طبیعی)». *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، ۸(۲)، ۱۶۸-۱۹۷.
- تقی‌زاده الیاس‌آباد، حدیثه؛ رضازاده، علی؛ جهانگیری، خلیل. (۱۴۰۰). «بررسی تأثیر دموکراسی و فساد بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای غرب و شرق آسیا». *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۲۱(۳)، ۱۰۹-۱۴۴.
- حکمتی فرید، صمد؛ عزتی شورگلی، احمد؛ عزتی، رضا؛ دهقانی، علی. (۱۳۹۴). «تأثیر جهانی شدن و کنترل فساد بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد سرانه پایین، درآمد سرانه متوسط و درآمد سرانه بالا». *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۵(۱۸)، ۹۵-۱۱۲.
- خداپرست مشهدی، مهدی؛ کردی، عبدالرحیم. (۱۳۹۷). «تأثیر ترکیبات مختلف فساد بر جذب سرمایه در کشورهای هم‌تراز سطح توسعه ایران». *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، ۷(۲۵)، ۱۵۵-۱۷۵.
- دانایی‌فرد، حسن؛ مولوی، زینب؛ سهرابی، آرزو. (۱۴۰۰). «جنبه تاریک سرمایه اجتماعی: بررسی نقش سرمایه اجتماعی در تمایل به فساد اداری». *مدیریت سرمایه اجتماعی*، ۸(۳)، ۴۲۵-۴۴۹.
- دل‌انگیزان، سهراب؛ کریمی، محمدشریف؛ خالوندی، زینب. (۱۳۹۲). «تأثیر شاخص درک فساد مالی بر رشد اقتصادی بر اساس تفکیک بین‌کشوری در حوزه آزادی اقتصاد با روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)». *اقتصاد مالی*، ۷(۲۴)، ۱۶۱-۱۸۶.
- دلیری حسن. (۱۴۰۱). *کاربست نظریه سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی*. گرگان: انتشارات دانشگاه گلستان.

- رحمانی، تیمور؛ اصفهانی، پوریا. (۱۳۸۵). «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فساد با تأکید بر ترکیب فعالیت‌های اقتصادی، مطالعه کشورهای در حال توسعه». *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۴(۷۸)، ۲۰۷-۲۲۸.
- رضایی، ابراهیم؛ علیزاده حصار، آیسا؛ صالحیان صالحی‌نژاد، زهرا. (۱۳۹۳). «تحلیل نقش عوامل بنیادی بر توزیع درآمد با تأکید بر نقش فساد». *مدل‌سازی اقتصادسنجی*، ۱(۲)، ۸۱-۹۸.
- رنانی، محسن؛ دلیری، حسن. (۱۳۸۸). «آیا سرمایه اجتماعی واقعاً سرمایه است؟». *راهبرد توسعه (راهبرد یاس)*، ۵(۳)، ۱۴۷-۱۷۱.
- سلاطین، پروانه. (۱۳۹۶). «تأثیر فساد بر توزیع درآمد: رهیافت داده‌های پانل». *رفاه اجتماعی*، ۱۷(۶۷)، ۳۷-۶۹.
- صادقی عمروآبادی، بهروز؛ شهبازی، نجفعلی. (۱۴۰۰). «تحلیل رابطه غیرخطی فساد اقتصادی و امنیت اقتصادی در ایران». *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، ۸(۲)، ۱۹۸-۲۲۵.
- صیادزاده، علی؛ علمی، زهرا. (۱۳۹۲). «رابطه فساد و سرمایه اجتماعی در الگوهای رشد». *رفاه اجتماعی*، ۱۳(۵۰)، ۷-۳۷.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- همایونی فر، رضا؛ توتونچی، جلیل. (۱۴۰۰). «بررسی عوامل مؤثر بر فساد اداری در کشورهای منتخب تولیدکننده نفت با رویکرد برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای: کاربرد مدل پانل کوانتایل». *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۱۱(۴۱)، ۱-۱۴.
- Adibpoor, M. & Mohammadi viaei, A. (2016). "The Effects of Corruption on Economic Inequality Income Distribution". *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 4(14), 153-168. [In Persian].
- Aguilera, M. B. (2002). "The Impact of Social Capital on Labor Force Participation: Evidence from the 2000 Social Capital Benchmark Survey". *Social Science Quaternary*, 83(3).
- Asgharpur, H. Salmani, B. Feshari, M. & Dehghani, A. (2011). "The Effect of Administrative Corruption on the Gross National Saving In MENA Countries (Dynamic Panel Data Approach)". *Journal of Economic Modeling Research*, 1(3), 99-121. [In Persian].
- Baghbanpour, J. Rahmani, T. Leysi, Z. & Ahmadi senowbari, F. (2017). "Investigating the Impact of Economic Corruption on Industrial Exports of Developing Countries". *Journal of Applied Economics*, 7(22), 23-34. [In Persian].
- Banerjee, R. (2016). "Corruption, Norm Violation and Decay in Social Capital". *Journal of Public Economics*, 137, 14-27.
- Bjørnskov, C. (2003). "Corruption and Social Capital - Is there a Causal link?" *Paper Presented at the European Public Choice Society Meeting in Aarhus*, April 2003, Denmark.
- Bohloulvand, E. & Arabi, H. (2021). "Identification and Ranking of Effective Factors on Financial Corruption based on the Bayesian Approach (A Case Study of Countries Rich with Natural Resources)". *Economic Studies and Policies*, 8(2), 168-197. [In Persian].



- Boix, C. & Posner, D. (1998). Social Capital: Explaining Its Origins and Effects on Government Performance. *British Journal of Political Science*, 28(4), 686-693.
- Castiglione, D. Van Deth, J. W. & Wolleb, G. (2007). "Social Capital's Fortune: An Introduction". Chapter Book of *the Handbook of Social Capital*. Edited by Castiglione, D. & J. W. Van Deth & Guglielmo Wolleb, Oxford University Press.
- Coleman, J. S. (1998). *Foundations of Social Theory*. Translated by Manouchehr Sabouru, Tehran, Ney. [In Persian].
- Damania, R. Fredriksson, P. G. & Mani, M. (2004). "The Persistence of Corruption and Regulatory Compliance Failures: Theory and Evidence". *Public Choice*, 121, 363-390.
- Danaei fard, H. Molavi, Z. & Sohrabi, A. (2021). "The Dark Side of Social Capital: Investigating the Role of Social Capital in the Tendency to Administrative Corruption". *Social Capital Management*, 8(3), 425-449. [In Persian].
- Delangizan, S. Karimi, M. Sh. & Khalvandi, Z. (2013). "The Impact of Corruption Perception Index on Economic Growth based on Grouping Countries in the Economic Freedom". *Financial Economics*, 7(24), 161-186. [In Persian].
- Deliri, H. (2022). *Application of Social Capital Theory in Economic Development*. Gorgan, Golestan University Press. [In Persian].
- Farr J. (2004). "Social Capital: A Conceptual History". *Political Theory*. 32(1), 6-33.
- Greene, W. (2012). *Econometric Analysis*. 7th Edition, Prentice Hall, Upper Saddle River.
- Grootaert, C. (1998), "Social Capital: The Missing Link?" In: *Social Capital Initiative Working Paper 3*, Washington DC, the World Bank.
- Hanifan. L. (1916). "The Rural School; Community Center". *Annals of American Academy of Political and Social Science*, 67, 130-138.
- Huntington, S. P. (2006). *Political Order in Changing Societies*. Translated by Mohsen Salasi, Tehran, Elm. [In Persian].
- Hekmati farid, S. Ezzati shoorgoli, A. Ezzati, R. & Dehghani, A. (2015). "The Impact of Globalization and the Control of Corruption on Economic Growth in Countries with Low Per Capita Income, Middle Per Capita Income and High Per Capita Income". *Economic Growth and Development Research*, 5(18), 95-112. [In Persian].
- Homayounifar, R. & Totonchi, J. (2021). "Investigating the Factors Affecting Administrative Corruption in Selected Oil-producing Countries with a Regional Development Planning Approach: Using the Quantile Panel Model". *Regional Planning*, 11(41), 1-14. [In Persian].
- Khodaparast, M. & Kordi, A. (2018). "The Impact of Various Combinations of Corruption on Attracting Capital in Developing Countries Parallel with Iran". *Journal of Applied Economics Studies in Iran*, 7(25), 155-175. [In Persian].
- Lipset, S. M. & Lenz, G. S. (2000). "Corruption, Culture, and Market". In: *Culture Matters: How Values Shape Human Progress*, Harrison, L. E. & Huntington, S. P. (eds.), New York, Basic Books.

- Nieuwenboer, Den N. A. & Kaptein, M. (2008). "Spiraling Down into Corruption: A Dynamic Analysis of the Social Identity Processes that Cause Corruption in Organizations to Grow". *Business Ethics*, 83(2), 133–146.
- Persson, T. Tabellini, G. & Trebbi, F. (2003). "Electoral Rules and Corruption". *Journal of the European Economic Association*. 1(4), 958-989.
- Putnam, R. (2000). *Bowling Alone: the Collapse and Revival of American Community*, New York, Simon and Schuster.
- Putri, I. Elfindri. Kamarni, N. Amali, H. & Ratna, I. (2021). "The Relationship between Social Capital, Norm, and Bribery in Indonesia". *Review of International Geographical Education*, 11(3), 513-527.
- Rahmani, T. & Esfahaney, P. (2016). "An Examination of the Determinants of Corruption with Emphasis on Economic Activities Combination: A Cross-Country Study". *Journal of Economic Research and Policies*, 24(78), 207-228. [In Persian].
- Renani, M. & Deliri, H. (2009). "Is Social Capital Really Capital?" *Development Strategy*, 5(3), 147-171. [In Persian].
- Rezaei, E. Alizadeh, A. & Salehian salehi nejad, Z. (2014). "The Structural Factors Affecting Income Distribution emphasizing on Corruption". *Journal of Econometric Modelling*, 1(2), 81-98. [In Persian].
- Rose-Ackerman, S. (1997). "Corruption and Good Governance". *UNDP Discussion Paper Series 3*. New York, United Nations Development Program.
- Sadeghi amroabadi, B. & shahbazi, N. (2021). "Analysis the Nonlinear Relationship between Economic Corruption and Economic Security in Iran". *The Journal of Economic Studies and Policies*, 8(2), 198-225. [In Persian].
- Salatin P. (2017). "The Effect of Corruption on Income Distribution: A Panel Data Approach". *Refah Journal*, 17(67), 37-69. [In Persian].
- Sayyadzadeh, A. & Elmi Z. (2014). "Relationship between Corruption and Social Capital in the Growth Models". *Refah Journal*, 13(50), 7-37. [In Persian].
- Svendsen, G. T. (2003). "Social Capital, Corruption and Economic Growth: Eastern and Western Europe". *Working Papers*, 03-21, University of Aarhus, Aarhus School of Business, Department of Economics.
- Taghizadeh elyas abad, H. Rezazadeh A, Jahangiri, K. (2021). "Study of the Impact of Democracy and Corruption on Foreign Direct Investment in West and East Asian Countries". *The Quarterly Economic Research Journal*, 21(3), 109-144. [In Persian].
- Wachs, J. Yasseri, T. Lengyel, B. & Kertész, J. (2019). "Social capital predicts corruption risk in towns". *Royal Society Open Science*, 6(4), 1-13.
- Woolcock, M. (1998). "Social Capital and Economic Development: Towards a Theoretical Synthesis and a Policy Framework". *Theory and Society*, 27(2), 151–208.